

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش هشتماد و هشتم

۱۳ می ۲۰۱۵

روش انقلابی و انترناسیونالیستی حزب کار البانی

حزب کار البانی بدون کمترین قید و شرط با زحمتکشان انقلابی مجار همبستگی داشت و تمام خلق را برانگیخت که با کلیه وسائل با آنان یاری برساند. حزب به زبان «زیری ای پوپولیت» چنین گفت:

«خلق البانی عملیات خونخوارانه امپریالیست ها و ضد انقلابیون فاشیست را که به منظور جداکردن مجارستان از اردوی سوسیالیستی و سرنگون ساختن قدرت کارگران و دهقانان و احیاء دیکتاتوری سبعانه سرمایه صورت می گیرد با نفرت کامل محکوم میکند»^(۱).

دولت جمهوری توده ئی البانی در اظهاریه ای که خاص این امر منتشر ساخت این طور ندا در داد:

«در شرایط کنونی باید از کلیه پیروزی های سوسیالیستی خلق مجار که در طی سالهای اخیر به دست آمده است با ثبات قدم دفاع کرد»^(۲).

حزب کار البانی و همه خلق البانی، پیروزی خلق مجار را به مثابه پیروزی کلیه کشور های سوسیالیستی، کلیه خلق های شیفته آزادی با مسرت بسیار تهنیت گفتند.

خلاف رهبری شوروی و رهبری جدید مجارستان که با اصطلاح خود شان «دگماتیک ها» و «رهبری سابق مجارستان» مسؤول ضد انقلاب می دانستند حزب کار البانی با تحلیل این حادثه اسف انگیز به ارائه مقصران حقیقی یعنی رویونیست ها پرداخت و از آنها به مناسبت «تغییرات متوالی و صاعقه آسا در رهبری (رهبری مجارستان- هیأت تحریر) تغییراتی که عملاً حزب و دولت را از ستاد رهبری نیرومند و فداکار محروم می گذاشت»^(۳) انتقاد می کرد.

۱ - سرمقاله «زری ای پوپولیت»، ۳۰ اکتوبر ۱۹۵۶

۲ - اظهاریه دولت جمهوری توده ئی البانی، ۳ نومبر ۱۹۵۶. «زری ای پوپولیت»، ۴ نومبر ۱۹۵۶

۳ - سرمقاله «زری ای پوپولیت»، ۵ نومبر ۱۹۵۶

حزب کار البانی از حوادث مجارستان برای فعالیت خویش در عرصه ملی و بین المللی آموزش های مهم به دست آورد. رفیق انورخوجه در فردای شکست ضد انقلاب چنین گفت:

«سرگذشت غم انگیز خلق مجار مسلماً برای همه مردم شرافتمند جهان درس بزرگی خواهد بود، برای کسانی که در نیمه راه افتخار به خواب می روند و در برابر عبارت پردازی های امپریالیست و ارتجاع، در برابر شعار های عوام فریبانه از هشیاری دور می شوند و روش اپورتونیستی و مامشات خطرناک در پیش می گیرند درسی خواهد بود». حزب و خلق البانی هرگز در این عرصه خطرناک گام نگذاشته و نخواهد گذاشت و فریب شعار های «سوسیالیسم توده نی»، «سوسیالیسم انقلابی» و یا شعارهای آن «دموکراسی»ی را که به همه چیز جزء دموکراسی پرولتری شبیه است نخواهد خورد...

از این جهت امروز بیش از همیشه حزب ما وظیفه دارد که مبارزه اصولی برای حفظ پاکیزگی تئوری مارکسیستی-لنینیستی را تقویت کند، صفوف خویش را از حیث ایدئولوژیک و سازمانی تحکیم بخشد، در همبستگی بین المللی زحمتکشان بکوشد، و حزب ما عقیده دارد که مبارزه در دفاع از اصول مارکسیستی-لنینیستی و مبارزه مبتنی بر این اصول، یگانه مبارزه صحیح است» (۴)

وخامت اوضاع بین المللی که در اثر ضد انقلاب مجارستان پیش آمده بود به علت تجاوز انگلستان، فرانسه و اسرائیل بر مصر که در ۲۹ و ۳۰ اکتوبر ۱۹۵۶ روی داد تشدید شد. این اقدام حلقه تازه ای بود از تعرض عمومی امپریالیسم و ارتجاع بر نیروهای شیفته صلح و آزادی.

در چنین شرایطی حزب کار البانی لازم می دانست که سطح آمادگی خود و خلق البانی را برای مقاومت در برابر فشار دوگانه امپریالیسم و رویزیونیسم ارتقاء بخشد. در عین حال حزب کار البانی به مثابه بخشی از نهضت کمونیستی بین المللی وظیفه انتر ناسیونالیستی خود می شمرد که در افشای رویزیونیسم و جلوگیری از اشاعه آن شرکت جوید.

در جلسه همگانی کمیته مرکزی که در فبروری ۱۹۵۷ تشکیل شد وضع نهضت کمونیستی بین المللی و اوضاع جهان مورد بررسی قرار گرفت. رفیق انور خوجه در این جلسه به تحلیل مارکسیستی-لنینیستی عمیق دست زد و بار دیگر وظایفی را که حزب در مبارزه انقلابی به ضد امپریالیسم و رویزیونیسم بر عهده داشت تعیین کرد.

امپریالیست ها و رویزیونیست های گوناگون، مانند یوگوسلاوی، مجاری لهستانی، ایتالیایی و غیره، وحدت اردوی سوسیالیستی و نهضت کمونیستی بین المللی را نشانه گرفته بودند و برای درهم شکستن این وحدت، می کوشیدند که اتحاد شوروی را از طریق جداکردن کلیه کشورهای سوسیالیستی از او و تجزیه نهضت کمونیستی جهانی منفرد گردانند و با این منظور در صدد انکار اهمیت جهان شمول پیروزی ها و تجارب انقلاب اکتوبر و ساختمان سوسیالیستی در اتحاد شوروی بر آمدند. احکام و تصمیمات رویزیونیستی کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی همانا علیه همین پیروزی ها و تجارب توجیه می شد. در چنین شرایطی مبارزه برای دفاع از اتحاد شوروی مبارزه ای بود برای دفاع از سوسیالیسم، از مارکسیسم لنینیسم. از این جهت حزب کار البانی «دفاع از وحدت کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیستی و کارگری برادر بر گرد اتحاد شوروی و تحکیم این وحدت» (۵) را ضروری می شمرد.

در چنین شرایطی همانطور که کمیته مرکزی می آموخت مبارزه علیه رویزیونیسم درجه اول یافت. کمیته مرکزی به کمونیست ها و همه زحمتکشان سفارش کرد که عمیقاً با این نکته پی ببرند که «شرایطی کنونی مبارزه در عرصه ایدئولوژیک در مقام اول قرار دارد» (۶).

4 - انورخوجه. سخنرانی در جلسه رسمی ۸ نومبر ۱۹۵۶. «زری ای پوپولیت»، ۹ نومبر ۱۹۵۶
5 - انورخوجه. گزارش درباره وضع بین المللی و وظائف حزب، در برابر پلنوم کمیته مرکزی حزب کار البانی، ۱۳ فبروری ۱۹۵۷، تیرانا، صفحه ۳۷
6 - همانجا صفحه ۷۱

حزب کار البانی صریحاً اعلام داشت که از اصول مارکسیسم-لنینیسم در برابر حملات رویزیونیست ها با استواری و پیگیری دفاع خواهد کرد.

در درجه اول لازم بود که از تشبثات رویزیونیسم بین المللی که هدفش اشاعه سرگشتگی ایدئولوژیک درباره تعالیم مارکسیستی-لنینیستی مربوط به نقش رهبری حزب طبقه کارگر و دیکتاتوری پرولتاریا، و مبارزه طبقاتی بود پرده برگرفته شود.

همانطور که رفیق انور خوجه بیان داشت تجربه تاریخی به ما می آموزد که «نقش رهبری حزب، برای تحقق انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم، ضرورت حیاتی دارد» (۷).

انکار رهبری حزب حزب مارکسیستی-لنینیستی به معنای آنست که طبقه کارگر بدون ستاد رهبری گذاشته شود، به کلی خلع سلاح گردد و سلطه بورژوازی جاودانی شود.

حزب کار البانی در افشای رویزیونیست ها که بر انداختن دیکتاتوری پرولتاریا و با «لیبرالیزاسیون» آن را با جار و جنجال تبلیغ می کردند اظهار می داشت که «نباید دیکتاتوری پرولتاریا را برانداخت بلکه باید آن را هر چه بیشتر تحکیم کرد، نباید به تضعیف آن، به لیبرالیزاسیون آن امکان داد، نباید گذاشت سرگشتگی و به هم ریختگی سازمانی در صفوف آن راه یابد و مورد استفاده دشمنان قرار گیرد» (۸).

حزب کار البانی می آموخت که اعراض از دیکتاتوری پرولتاریا به معنای اعراض از تمامی مارکسیسم-لنینیسم و به معنای پیوستن به اردوی دشمنان کمونیسم است.

حزب روشن ساخت که مساعی رویزیونیست ها که با پخش «تئوری» انکار مبارزه طبقاتی موجب گمراهی زحمتکشان می شوند چه خطر عظیمی در بردارد. حزب آموزش داد که مبارزه طبقاتی «واقعیتی عینی است که وابسته است به وجود طبقات استثمارگر و یا بقایای آنها، وجود عمال امپریالیسم، وجود بخش وسیع تولید کنندگان کوچک، وجود آثار سرمایه داری در وجدان انسان ها و وجود امپریالیسم» (۹).

رویزیونیسم مبارزه خود را علیه مارکسیسم-لنینیسم در زیر سه شعار عمده عوام فریبانه می پوشانید: «برای تکامل خلاق مارکسیسم-لنینیسم و برای مبارزه علیه دگماتیسم»، «برای تطبیق خلاق مارکسیسم بر شرایط خاص هر کشور» و «مبارزه علیه ستالینیسم» یا «کیش شخصیت».

حزب کار البانی خاطر نشان ساخت که رویزیونیست ها از احکام صحیح مبنی بر تکامل و تطبیق خلاق مارکسیسم-لنینیسم در اوضاع جدید و بر شرایط خاص هر کشور منظور دیگری جز سوء استفاده ندارند و این احکام را برای انکار اصول اساسی مارکسیسم-لنینیسم و پوشاندن خیانت خویش، برای تحمیل «سوسیالیسم خاص» و «کمونیسم ملی» بر دیگران، به کار می برند. رفیق انور خوجه تأکید می کرد:

«مارکسیست ها-لنینیست ها به مارکسیسم-لنینیسم با دیده انکار مبانی آن نمی نگرند بلکه این تئوری را با نتیجه گیری های جدیدی که ناشی از تجارب مبارزه طبقه کارگر و تکامل علوم است غنی تر می سازند»...

مارکسیسم-لنینیسم علم است و آن قوانین عینی که وی تنظیم کرده حقایق مطلق است... این حقایق کهنه نمی شود و سپری نمی گردد... مسائل اساسی ساختمان سوسیالیسم بین همه کشور ها مشترک است و قوانین تکامل جامعه مرز ملی نمی شناسد. تجربه تاریخی نشان می دهد که مسائل مشترک مذکور از این قرار است: دیکتاتوری پرولتاریا یعنی استقرار قدرت سیاسی طبقه کارگر تحت رهبری حزب مارکسیست-لنینیست، تحکیم اتحاد طبقه کارگر با دهقانان و سایر قشر های زحمتکشان با کلیه وسائل، بر انداختن مالکیت سرمایه داری و بر پاداشتن مالکیت اجتماعی بر وسائل عمده تولید،

7 - همانجا صفحه ۵۰

8 - همانجا صفحه ۵۸

9 - همانجا صفحه ۳۷

سازماندهی سوسیالیستی کشاورزی، بسط اقتصاد طبق نقشه، نقش رهبری تئوری مارکسیستی- لنینیستی، دفاع مصممانه از کامیابی های انقلاب سوسیالیستی در برابر لطمات استثمارگر سابق و دول امپریالیستی» (۱۰).

حزب کار البانی بار دیگر روشن ساخت که مبارزه با «کیش شخصیت ستالین» با «اشتباهات او»، با «ستالینسم»، در واقع مبارزه ای است با مارکسیسم لنینیسم، مبارزه ای است به منظور تدارک زمینه برای این امر که مشی اپورتونیستی و رفرمیستی را در کلیه احزاب کمونیستی و کارگری برجای مشی انقلابی بنشانند و رویونیست ها را بر رأس آن احزاب بگذارند.

«ما با کسانی که جنبه مثبت انقلابی فعالیت ستالین را رد می کند موافق نیستیم... آنطور که همه می دانند ستالین مارکسیست بزرگی بود و پس از مرگ لنین در برابر کلیه دشمنان و کلیه رویونیست ها به دفاع از مارکسیسم لنینیسم برخاست و سهم گراندوری در تکامل بعدی این علم ایفاء کرد» (۱۱).

حزب در آن دوران لبه تیز مبارزه خویش را متوجه رویونیسم یوگوسلاوی گردانید که پرچمدار حمله بر مارکسیسم- لنینیسم بود. ولی کاملاً روشن بود که این مبارزه علیه رویونیسم در کلیه کشورها و در کلیه احزاب است و احکام گزارش رفیق انورخوجه مخالف احکام رویونیستی کنگره بیستم است.

گزارش رفیق انورخوجه «در باره وضع بین المللی و وظائف حزب» که از طرف پلنوم کمیته مرکزی به تصویب رسید و روش استوار مارکسیستی- لنینیستی حزب کار البانی را در مورد مسائل اصولی بزرگی که پس از کنگره بیستم در نهضت کمونیستی بین المللی به ظهور رسیده بود بیش از پیش روشن ساخت و سلاح نیرومندی به کمونیست ها در مبارزه علیه رویونیسم معاصر داد.

عزم جزم حزب کار البانی مبنی بر این که مشی کنگره بیستم را نپذیرد و مشی عمومی انقلابی خویش را بی خدشه نگهدارد موجب تشویش رهبری شوروی شد.

رهبری شوروی این تشویش را موقعی که هیأت نمایندگی حزب کار البانی و دولت جمهوری توده ئی البانی به رهبری رفقاء انورخوجه و محمد شیخو در اپریل ۱۹۵۷ به دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به مسکو رفته بود، صریحاً ابراز کرد. در طی مذاکرات هنگامی که رفیق انور خوجه به تشریح اوضاع و مبارزه حزب کار البانی در شرایط آن روز مشغول بود نیکیتا خروشچف از موضع گیری های حزب کار البانی بر آشفت و خشمناک گفت: «گویا شما البانی ها در صدد آنید که ما را به راه ستالین بر گردانید» و روش حزب کار البانی را نسبت به رویونیست های یوگوسلاوی «روش غیر عینی» خواند که بر «بزرگ کردن نقاط اختلاف با آنها» مبتنی است و خواستار شد که «به ناحق با آنها حمله نشود» خروشچف باز ناپستاد از این که به دفاع از دشمنان حزب و خلق البانی برخیزد و اعاده حیثیت آنها را خواستار گردد. خروشچف که در اثر استوار ی رفیق انور خوجه و سایر اعضای هیأت نمایندگی در دفاع از نظریات و فعالیت های مارکسیستی- لنینیستی حزب کار البانی، عصبانی شده بود با لحن تهدید آمیز گفت: «شما البانی ها طبیعتاً تند و خشن و سکتاریست هستید!!» «ما نمی توانیم با شما به توافق برسیم. بحث را متوقف کنیم!!!» این حادثه نخستین برخورد مستقیمی بود که بین مشی انقلابی مارکسیستی- لنینیستی حزب کار البانی و مشی رویونیستی گروه خروشچف روی داد.

رهبری شوروی با وجود این تهدیدات جرأت نکرد به قطع مذاکرات مبادرت جوید. گروه خروشچف حساب می کرد که حزب کار البانی بالاخره از «روش عنودانه» خویش دست خوهد کشید و به اوامر او گردن خواهد نهاد. گروه خروشچف یکی از وسائل نیل با اغراض خویش را عبارت از کمک اقتصادی می دانست که اتحاد شوروی با البانی می داد و خروشچف می پنداشت که البانی بدون آن نمی تواند یک قدم بردارد! اتحاد شوروی جمهوری توده ئی البانی را از

۱۰ - همانجا صفحه ۴۰ - ۴۱

۱۱ - همانجا صفحه ۴۳

زیان پرداخت ۴۲۲ میلیون روبل قدیم که پس از رهایی البانی تا سال ۱۹۵۵ به عنوان اعتبار با او داده شده بود معاف کرد.

ولی چنانکه بعداً آشکار گردید این اقدام رهبری شوروی از احساس دوستی حقیقی و با اصول انترناسیونالیستی باید شمرد که از طرف خلق شوروی به خلق برادر یک کشور سوسیالیستی داده شده بود.

نه تهدید ها و نه «بخشش ها» رهبری مارکسیستی- لنینیستی حزب کار البانی را در این تصمیم که از مشی عمومی انقلابی خویش تا آخر دفاع کند متزلزل نساخت. رفیق انور خوجه در مسکو گفت:

«دفاع از پاکیزگی مارکسیسم- لنینیسم، مبارزه علیه رویونیسم و تقویت هشیاری، در زمره وظائف اساسی حزب کار البانی است. حزب ما... با عزم راسخ در راه صحیح خویش به سوی ساختمان موفقیت آمیز سوسیالیسم در البانی به پیش خواهد رفت» (۱۲).

و پس از بازگشت به تیرانا تکرار کرد: «ما یک لحظه نیز از مبارزه علیه کسانی که می خواهند در اندیشه های مارکسیستی- لنینیستی تجدید نظر کنند، خواه یوگوسلاوی باشند، خواه البانی و غیره باز نخواهیم ایستاد» (۱۳).

حزب کار البانی روش انقلابی انترناسیونالیستی خویش را در کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری که در نومبر ۱۹۵۷ در مسکو تشکیل شد، نیز نشان داد.

گروه خروشچف در این کنفرانس در صدد بر آمد که مشی رویونیستی کنگره بیستم را به مثابه مشی عمومی نهضت کمونیستی بین المللی تسجیل کند و عده ای از عناصر رویونیست سرشناس از اعضای هیأت های مختلف نمایندگی از وی پشتیبانی کردند.

بر سر مسائل اصولی گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و جنگ و صلح مبارزه سختی درگیر شد. رویونیست ها کوشیدند که تعالیم مارکسیسم- لنینیسم را درباره جنگ های امپریالیستی، قیام مسلح و انقلاب سوسیالیستی، درباره نقش رهبری حزب طبقه کارگر در انقلاب و در ساختمان سوسیالیستی، درباره دیکتاتوری پرولتاریا و غیره کهنه و سپری نشان دهند. آنان باز نایستادند از این که انقلاب اکتوبر و سیستم شوروی را سیاه کنند. آنان در کمیسیون تنظیم اسناد جلسه اصرار ورزیدند که امپریالیسم امریکا به مثابه بدترین دشمن صلح و خلق ها توصیف نشود و حتی ذکری از آن به میان نیاید. با آن که حوادث دوسال اخیر به روشنی تأیید کرده بود که رویونیسم خطر عمده در نهضت کمونیستی بین المللی است آنان به هیچ وجه با اعلام این حقیقت رضایت نمی دادند.

هیأت نمایندگی حزب کار البانی به رهبری رفیق انور خوجه سهم مهمی در افشای این نظریات ضد مارکسیستی ادا کرد و با هیأت نمایندگی حزب کمونیسم چین و سایر هیأت های نمایندگی که در کنفرانس به دفاع از اصول اساسی مارکسیسم لنینیسم برخاستند، به تشریح مساعی پرداخت.

رویونیست ها که در برابر منطق آهنین استدلالات علمی تاب ایستادگی نداشتند ناچار عقب نشستند. اظهاریه ای که مشترکاً تنظیم شد و به تصویب کنفرانس رسید تجارب نهضت کمونیستی بین المللی را تراز بندی می کرد، اعتبار قوانین عام انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم را اعلام می داشت، وظائف مشترک احزاب کمونیستی و کارگری و همچنین موازینی را که باید حاکم بر مناسبات میان آنها باشد، معین می کرد. اساس اظهاریه عبارت بود از تأیید مجدد اصول انقلابی مارکسیسم لنینیسم.

جلسه، رویونیسم یعنی اپورتونیسم راست را وخیم ترین خطر نهضت کمونیستی بین المللی شناخت و سرچشمه های آن را نیز آشکار ساخت: از لحاظ داخلی نفوذ نظریات بورژوائی و از لحاظ خارجی جبهه سائی در برابر فشار امپریالیسم. هیأت نمایندگی حزب کار البانی و سایر احزابی که از مارکسیسم لنینیسم دفاع می کردند در عین حال که بر

12 - انورخوجه، سخنرانی در میتینگ دوستی البانی و شوروی در مسکو. «زری آی پوپولیت»، ۱۷ اپریل ۱۹۵۷

13 - انورخوجه، سخنرانی در میتینگ تیرانا، «زری آی پوپولیت»، ۱۴ می ۱۹۵۷

مضمون انقلابی اظهاریه صحه گذاشتند رضایت دادند که عبارت نادرستی حاکی از این که گویا کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی مرحله تازه ای در نهضت کمونیستی بین المللی گشوده است در اظهاریه باقی بماند. این امر در واقع گذشتی بود ولی بنابر ضرورت حفظ وحدت در درون نهضت قابل توجیه بود.

در هر حال اظهاریه ۱۹۵۷ مسکو در خطوط مهم خویش مخالف مشی رویزیونیستی کنگره بیستم بود و تصویب آن پیروزی نیروهای انقلابی مارکسیستی لنینیستی به شمار می آمد. اظهاریه مذکور برنامه مشترک احزاب کمونیستی و کارگری در مبارزه علیه امپریالیسم و رویزیونیسم بود.

حزب کار البانی فعالیت هیأت نمایندگی خویش را در کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری کاملاً تأیید کرد و آن را خدمتی انترناسیونالیستی شمرد. حزب کار البانی احکام انقلابی اظهاریه ای را که از این کنفرانس بیرون آمد پذیرفت و آنها را در اساس مبارزه خویش برای دفاع از پاکیزگی مارکسیسم لنینیسم قرار داد.

ادامه دارد...